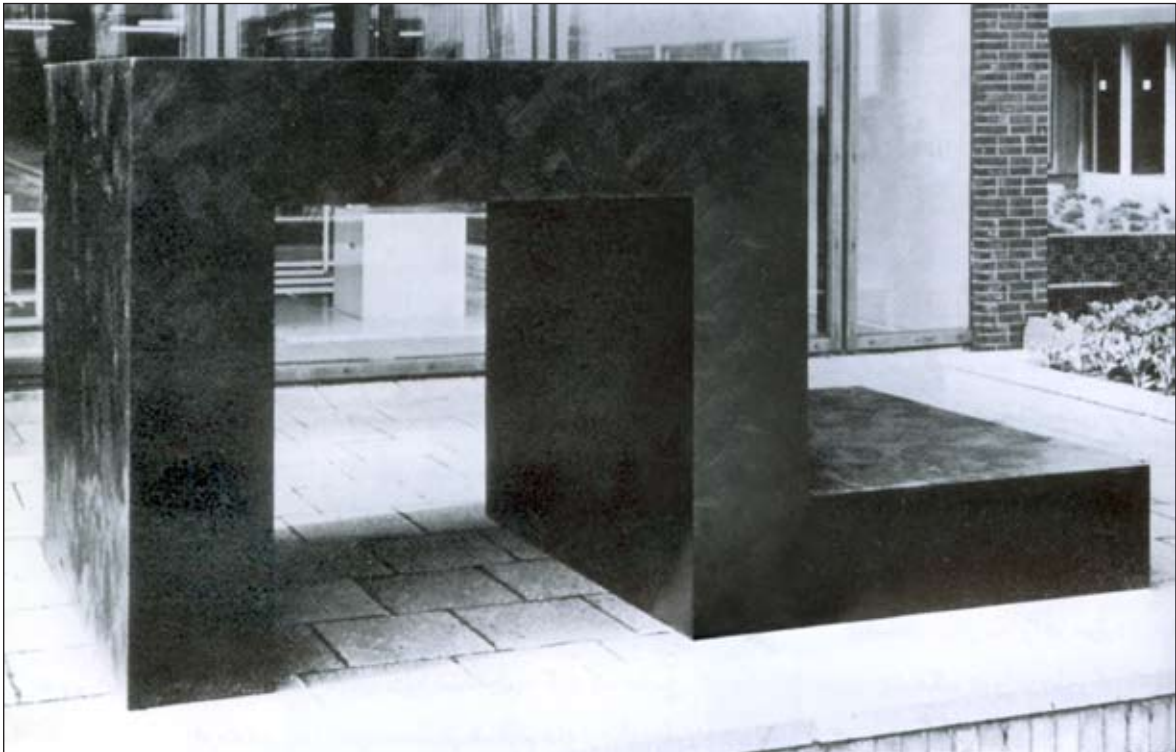


بررسی نظری رویکرد کمینه‌گرایی در طراحی صنعتی و انجام یک پروژه‌ی علمی بر اساس آن

هادی جمالی

عضو هیئت علمی گروه طراحی صنعتی دانشکده‌ی هنر و معماری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

mm



(تصویر ۱) تونی اسمیت، زمین بازی، ۱۹۶۲، چوب حالتی از فلز را تداعی می‌کند. (گالری فیش بک- نیویورک آمریکا)

مینی مالیسم^۱ (اندک گرایی)

مینی مالیسم از سبک‌های مهم و رایج است که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ایجاد شده و جزء سبک‌ها و جنبش‌های دوران پست مدرنیسم^۲ است. از ویژگی‌های آن اندک گرایی و سادگی محض است؛ از نظر فرم، مواد، بافت و رنگ.

از ویژگی‌های روانی و احساسی این سبک که اهمیت زیادی دارد، آرامش، سبکی، سادگی، راحتی، خلوص و وقار است که به خصوص برای انسان شهر نشین فعلی که در فضایی پُر از شلوغی و سر و صدا و آلودگی‌های بصری، فشارهای روحی - روانی، بمباران‌های تبلیغاتی و استرس قرار دارد بسیار لازم و ضروری است.

از ایده‌های پیدایش این سبک، تأثیرپذیری از فلسفه‌ی زن در شرق دور است که نوعی عرفان شرقی را در خود دارد. مینی‌مالیست‌ها معتقدند با حذف حضور فریبده‌ی ترکیب‌بندی و استفاده از مواد ساده و اغلب صنعتی که به شکل هندسی و بسیار ساده شده قرار گرفته باشند، می‌توان به کیفیت ناب رنگ، فرم، فضا و ماده دست یافت.

هنر مینی مال یا هنر موجز را باید مولود هنرمندان دوره‌ی پس از انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷) دانست. در این دوره‌ی

پر شکوه، هنرمندان ساختارگرا^۳، هم در عرصه‌ی معماری و هم در نقاشی و مجسمه‌سازی، گرایش‌هایی متکی بر خلاصه‌نمایی و هندسه‌گرایی را در آثارشان متظاهر ساختند. به طور مثال آثار مالویچ^۴ مانند «سفید روی سفید» منطقی از ایجاز در هنر را مطرح ساخت که بعدها منبع الهام سایر هنرمندان اروپایی قرار گرفت.

این تجربیات هنرمندان روسی بار دیگر در دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ در آمریکا توسط رابرت راشنبرگ^۵ جوان در مجموعه تابلوهای تماماً سفید او و نیز توسط اد رینهارد در تابلویی تماماً سیاه که شیارهای رنگی در آن محو شده بودند و نیز در اروپا توسط ایوکلاین^۶ با کارهای تک رنگ مجدداً به صورت دیگری به کار گرفته شد.

جنبش مینی مالیسم فراگیرترین تأثیر خود را در ایالات متحده بر جای گذاشته و به سرعت به یک پدیده‌ی تازه‌ی هنری بسیار عمده، به آثار معمولاً سه بعدی - به جای دو بعدی - تبدیل شد. جریان اصلی جنبش مینی مال آمریکایی در هنرهای تجسمی را می‌توان در آثار ریچارد سرا^۷، تونی اسمیت^۸، دانالد جاد^۹، کارل آندر^{۱۰}، دان فلاوین^{۱۱}، رابرت موریسی^{۱۲}، جان مک کراکن^{۱۳}، فرانک استلا^{۱۴} و اوآهس^{۱۵} جستجو کرد.

آثار مینی مالیسست گاه کاملاً تصادفی پدید می‌آید و گاه زاده‌ی شکل‌های هندسی ساده و مکرر است. مینی مالیسیم نمونه‌ای از ایجاز و سادگی را در خود دارد و بیانگر سخن رابرت براونینگ^{۱۶} است: «کمتر غنی‌تر است.»

پژوهش‌های این جنبش شامل انواع ساختارهای مدولی، فضایی، شبکه‌ای و جفت کاری بود که هدفش توضیح مجدد مسایلی چون فضا، فرم، مقیاس و محدوده بود و در نتیجه هر گونه بیان گری و توهم بصری را نفی می‌کرد.

■ مینی مالیسیم در هنرهای دیگر

این سبک مانند بعضی از سبک‌های دیگر در ادبیات، موسیقی، معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی و... رایج است.

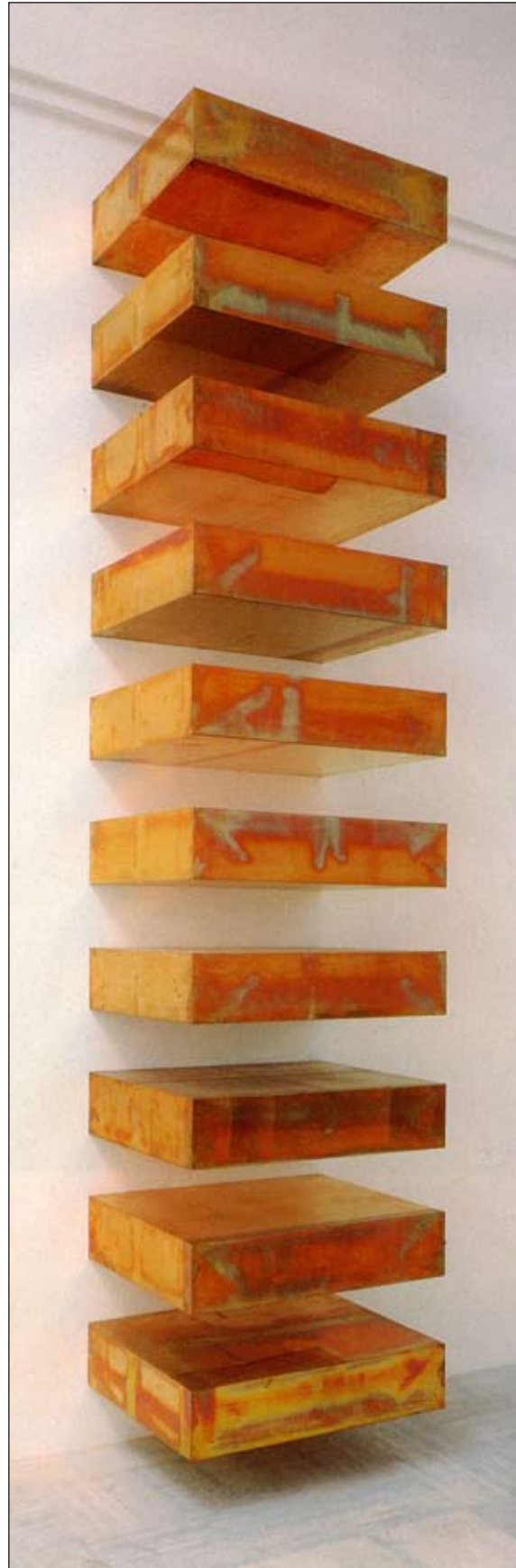
• مینی مالیسیم در ادبیات

مینی مالیسیم در ادبیات، سبک یا اصلی ادبی است که بر پایه‌ی فشردگی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر بنا شده است. مینی مالیسست‌ها در فشردگی و ایجاز تا آنجا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاه‌ترین شکل، باقی بمانند. به همین دلیل کم حرفی از مشخص‌ترین ویژگی‌های این آثار است. برای مثال، اعتقاد مارک تواین^{۱۸} پرهیز از اضافات بود.

در میان متون ادبی کهن که بسیار حجیم بودند آثار موجز هم به چشم می‌خورند. مینی مالیسیم، ادبیات داستانی را با بیان‌های زیادی از جمله «کوتاه نویسی» و «داستان کوتاه کوتاه» خوانده است. کوتاه نویسی مینی مالیسیم نظر بسیاری از منتقدان ادبی را به خود جلب کرد. آن‌ها نظر موافقی با این گونه داستان‌ها نداشتند زیرا به عقیده‌ی آن‌ها مینی مالیسست‌ها بیش از حد شاخ و برگ عناصر داستان را می‌زنند و لطف و روح داستان از بین می‌رود. در طی پنج الی ده سال گذشته نویسندگان برجسته‌ای چون ریچارد کاردینال^{۱۹}، فردریک بارتلم^{۲۰}، آن بتی^{۲۱}، مری رابینسون^{۲۲} و جیمز رابینسون^{۲۳} در عرصه‌ی ادبیات مینی مالیسیم درخشیده‌اند.

• مینی مالیسیم در موسیقی

مینی مالیسیم در موسیقی شیوه‌ی تصنیف موسیقی با استفاده از ایده‌ای است که چند بار تکرار می‌شود. یک قطعه‌ی



(تصویر ۲) اثری از دانالد جاد

مینی مالیستی موسیقی معمولاً تم کوتاهی را در بر دارد که ممکن است ملودیک یا ریتمیک باشد. این تم سپس بارها تکرار می‌شود. اما به تدریج تغییر می‌کند. گاهی اوقات این شیوه با دو یا چند ساز اجرا می‌شود که با اجرای نت‌هایشان قطع می‌شوند یا هم نوازی می‌کنند. اما هم زمان که یک ساز سریع‌تر از دیگری نواخته می‌شود، ساز دیگر به تدریج از هماهنگی^{۲۴} خارج می‌شود.

آهنگ‌سازانی که قطعات مینی مالیستی نوشته اند شامل وایت استرایپس^{۲۵}، فیلیپ گلاس^{۲۶}، استیورایک^{۲۷} و تری رایلی^{۲۸} هستند. تکرار و ماندن بیش از حد در یک ریتم، یک ملودی، یک آکورد، یک تمپوی ثابت و... بدون کوچک‌ترین تغییری برای مدت طولانی از جمله ویژگی‌های این موسیقی‌دانان بود.

موسیقی مینی مالیستی در دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی محبوب شد.

• مینی مالیسم در معماری

در معماری، یک معمار یا طراح ممکن است به سادگی با استفاده از ایده‌های مینی‌مال به طراحی اتاق‌های یک منزل یا کل یک ساختمان بپردازد. ممکن است ایده‌ها را بدون کوچک‌ترین انحنا و بدون استفاده از رنگ و به صورت شفاف^{۲۹} بسازد و به عبارت دیگر در این سبک طراحی، هنرمند یا مهندس کوچک‌ترین تلاشی برای استفاده از جزئیات به منظور زینت دادن به کار نمی‌برد و سعی می‌کند با حداقل امکانات بیشترین بهره را ببرد.

استفاده از مواد جدید و قطعات پیش ساخته، معمار مینی مالیست را در ارائه‌ی کارهایش بهتر یاری می‌دهد.

• مینی مالیسم در سینما

مینی مالیسم در سینما در اوائل دهه‌ی ۱۹۶۰ مطرح شد. محدودیت در به کار بردن موقعیت‌های دوربین، به کاربردن بازیگران غیر حرفه‌ای، تکنیک فی البداهه گویی و... از ویژگی‌های آن است.

یکی از مینی‌مال‌گراترین سینماگران حال حاضر جیم جارموش^{۳۰} می‌باشد. در ایران هم می‌توان به عباس کیارستمی و مانی حقیقی اشاره کرد.

• مینی مالیسم در فلسفه

مینی مالیسم پا را فراتر از هنر گذاشته و حتی فلسفه را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است. مینی مالیسم در فلسفه معتقد است که معدود نیازهای انسانی برای زندگی کافی است و افرادی که پیرو این‌گونه تفکر هستند در سادگی زندگی می‌کنند و ساده‌تر از دیگران می‌توانند خود را خوشبخت احساس کنند. رهبران این سبک از فلاسفه همواره پیروان خود را تشویق می‌کنند تا از چیزهایی که به آن‌ها بسیار علاقه دارند صرف‌نظر کنند و یاد بگیرند که در سادگی و نبود مادیات زندگی کنند. این فلسفه با ساده زیستن و تفکر عارفانه و صوفیانه بسیار هماهنگی دارد.

• مینی مالیسم در طراحی صنعتی

مینی مالیسم یا اندک‌گرایی از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در طراحی صنعتی مرسوم شد و به صورت یک سبک رایج گردید. این سبک جزء سبک‌ها و جنبش‌های دوران پست مدرنیسم است. شعارش همان جمله‌ی معروف «Less is more» است که در مورد مواد و انرژی در طراحی محصول به کار می‌رود.

از ویژگی‌های مینی‌مالیسم در طراحی صنعتی، سادگی فرم، حذف زوائد در پیکره، استفاده از رنگ‌های اندک و اکثراً روشن مانند سیاه، سفید، نقره‌ای و کاهش عناصر گرافیکی محصول مثل شیار، درز و شبکه است. با توجه به اینکه محصولات مینی‌مال از قطعات کم‌تری ساخته می‌شوند هزینه‌ی تولید نیز می‌تواند کاهش یابد. این سبک از نظر فرم و رنگ نقطه‌ی مقابل سبک ممفیس^{۳۱} است.

■ سخنی درباره‌ی یک طراحی ساده

خانه‌ی هنرمندان ایران مجموعه‌ای از فضاهای نمایشگاهی (نگارخانه‌ها) و فضاهای نمایشی و سالن‌های سخنرانی و اجرای موسیقی و اتاق‌هایی برای میزگردهای تخصصی است که در ضلع جنوبی باغ هنر واقع در شمال خیابان ایران شهر تهران ایجاد شده است. این مکان که حدود ۱۱ سال از تأسیس آن می‌گذرد (۱۳۷۷) اختصاصاً برای انجمن‌های هنری غیر دولتی^{۳۲} و هنرمندان و هنر دوستان ایجاد شده است و در حال حاضر انجمن‌های هنرمندان نقاش، مجسمه ساز، ارتباط



(تصویر ۳)

هنرمندان ایران دیده می‌شوند که قبلاً نبودشان احساس می‌شد و حالا بازدیدکنندگان آثار هنری نمایشگاه‌ها می‌توانند دقایقی بر روی آن‌ها نشسته و استراحت نمایند. اما آنچه که حائز اهمیت است زیبایی توأم با سادگی مینی‌مالیستی آن است که نظر بینندگان هنرمند و هنر دوستان نکته‌سنج را که برای دیدن آثار نگارخانه‌ها آمده‌اند جلب کرده است. سادگی فرم و حذف زوائد در هنرهای تجسمی و کاربردی که شعاع مدرنیسم است و اوج سادگی که در این دوران پست مدرن در مینی‌مالیسم خلاصه می‌شود در آن

تصویری، خوش‌نویسان، معماری، موسیقی، سینما، تئاتر، تصویرسازان، با این خانه مرتبط بوده و فعالیت مستمر دارند و بر طبق برنامه‌ای مدون و منظم جلسات و فعالیت‌ها و نمایشگاه‌های آنان برگزار می‌گردد. فروشگاه‌های محصولات فرهنگی و کتاب‌فروشی و رستوران و باغ از جمله فضاهای دیگر آن است. این مجموعه‌ی بزرگ با مدیریت مدیرعامل و نظارت هیئت‌امنا و با حمایت‌های شهرداری تهران و وزارت ارشاد اسلامی اداره می‌شود. چند سالی است نیمکت‌هایی در نگارخانه‌های خانگی



(تصویر ۴) تکرار ابعادی یکسان (۴۵ سانتی‌متر)، در کنار طول بلند (۵/۲ متر) آرامشی به چشم می‌دهد که از عوامل زیبایی بصری است.

دیده می‌شود.

نقطه‌های توسی رنگی که در تقاطع پایه‌ها با سطح نشیمن دیده می‌شوند میخ‌های فلزی کوتاه و قطوری هستند که دید چشم را توقف داده و بر استحکام تأکید می‌کنند. میخ‌هایی که فقط دکوراتیو^{۳۰} بوده و اندک تأثیری ازهای تک^{۳۱} گرفته‌اند (تصویر ۴).

تکرار ابعادی^{۳۲} یکسان (۴۵ سانتی متر)، در کنار طول بلند (۵/۲ متر) آرامشی به چشم می‌دهد که از عوامل زیبایی بصری است.

تعیین سبک طراحی در مراحل اولیه یا هنگام اتود کردن

همان‌طور که طراح بعد از احساس نیاز کردن به وجود یک وسیله، به دنبال پیدا کردن رفع نیاز است و در ذهن خود و بعد بر روی کاغذ اتودهایی می‌زند تا به طرح مطلوب و مورد نظر خود برسد، در مورد یک مبلمان جمعی بسیار لازم است که طراح از خود بپرسد دنبال چه فرم‌هایی است؟ طرح مورد نظر چه شکلی و سبکی باید داشته باشد؟ در چه مکانی قرار می‌گیرد و مکان از نظر فرم و شکل چگونه است؟ در آن مکان چه عناصر دیگری وجود دارد؟ فرم‌های معماری، طراحی داخلی، اشیاء و دیگر عناصری که در فضا و اطراف مبلمان ما قرار می‌گیرد ما را برای یافتن سبک مورد نظر طراحی کمک می‌کند و طراح لازم است که ویژگی‌های فرمی و رنگی و بافتی سبک‌ها را بداند و حتی در جریان تحولات جدید طراحی نیز قرار داشته باشد.

طراحی این نیمکت‌ها درخواستی دوستانه از ریاست وقت خانه ی هنرمندان ایران بود. ایده‌هایی متعدد، با فرم‌هایی مختلف، پیرامون کانسپتی^{۳۳} واحد طراحی گردید و سرانجام طرحی انتخاب و ساخته شد. محصول نهایی، نیمکتی است چوبی با سطح نشیمنی به طول ۲/۵ متر و عرض ۴۵ سانتی متر و قطر ۸ سانتی‌متر (ایده‌آل ۱۰ سانتی متر بود) که استحکام و سنگینی و سادگی را بیان می‌کند (تصویر ۳).

ارتفاع ۴۵ سانتی‌متری سطح نشیمن از زمین، بلندی لازم و حتی حداقلی را تأمین نموده است. کوتاهی به نظر آمده‌ی سطح نشیمن (نسبت به طول ۲/۵ متری) گویی دعوت به نشست و استراحت را تأکید می‌کند. نداشتن پشتی و دسته^{۳۴} و نرم نبودن سطح نشیمن، استفاده‌ی بلند مدت را برای استفاده‌کننده امکان‌پذیر نمی‌کند، بلکه همان‌طور که نیاز اولیه بوده استفاده‌ی کوتاه مدت مدنظر قرار گرفته است.

سادگی شدید فرم (مینی‌مالیسم) بدان جهت انتخاب شده که نیمکت به اصطلاح خودش را زیاد نشان ندهد زیرا الویت، دیده شدن تابلوها و مجسمه‌ها در گالری‌هاست و نباید عاملی این اولویت را از بین برد. استفاده از رنگ طبیعی چوب انتخابی (فنلاندی)، کرم روشن و بدون گره، در راستای این ویژگی بوده است. چوب‌های مذکور در بازار دارای ابعاد ۱۵×۸ سانتی متر و طولی ۶ متر بود که پس از برش، برای عرض سطح نشیمن، ۳ قطعه ی ۱۵ سانتی‌متری را با اتصالی مناسب کنار هم چسبانیدیم.

پی‌نوشت:

- | | | |
|------------------------|-----------------------|----------------------------------|
| 1. Minimalism | 15. Eva Hesse | 29. Transparent |
| 2. Post Modernism | 16. Robert Browning | 30. Jim Jarmusch |
| 3. Constructivist | 17. Less Is More | 31. Memphis |
| 4. Malevich | 18. Mark Twain | 32. NGO |
| 5. Robert Rauschenberg | 19. Raymond Carver | 33. Concept |
| 6. Yves Klein | 20. Frederick Bartlam | 34. Armchair |
| 7. Richard Serra | 21. Ann Beattie | 35. Decorative |
| 8. Tony Smith | 22. Mary Robinson | 36. High Tech |
| 9. Donald Judd | 23. James Robinson | ۳۷. عرض نشیمن ۴۵ سانتی متر. |
| 10. Carl Andre | 24. Synce | ارتفاع سطح نشیمن ۴۵ سانتی متر. |
| 11. Don Flavin | 25. White Stripes | فاصله از هر طرف تا پایه ۴۵ سانتی |
| 12. Robert Morrissey | 26. Philip Glass | متر. عرض پایه ۴۵ سانتی متر. طول |
| 13. John McCracken | 27. Steve Rick | نیمکت ۵/۲ متر و ضخامت ۸ سانتی |
| 14. Frank Stella | 28. Terry Riley | متر. |